



درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۳/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

موضوع: مسائل مستحدثه/بیمار فاقد طهورین /بررسی نظریات

حدیث اخلاقی

روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده است:

لیس فيه قبض او بسط مما امر الله به او نهی عنه الا و فيه من

الله ابتلاء و قضاء. [۱]

خیلی حدیث با عظمتی است که هم مرتبط با بحث است و هم

اعتقادی است.

نظام وجود نظام قبض و بسط است. وسعت و تنگایی. تمام

هستی از این دو قسم خارج نیست. باید مفصل بحث کرد ولی به

اندازه مختصری توضیح می دهیم. هیچ چیزی نیست در هستی که

قبض و بسطی در عالم دارد الا اینکه از سوی خدا ابتلا و آزمایش

و حکم است. معلوم می شود که ابتلا و قضا مترتب بر یکدیگر

است. ابتلا در مقام قدر است و مقدمه قضا است. هیچ قبض و

بسطی بدون اراده الهی صورت نمی گیرد و ما باید تسلیم اوامر و

نواهی خداوند باشیم.

اشاره به جلسه گذشته

تکلیف فرد فاقد طهورین چیست؟

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

کسی که آب و خاک در دسترس ندارد یا نمی‌تواند استفاده کند حکم تکلیفی‌اش چیست؟

کسی که بیمار کرونایی است یا عذری دارد مثلاً در مراقبت‌های ویژه است و نمی‌تواند خود وضو گیرد یا تیمم کند و یا این کار را برای او انجام دهند.

مرور نظریات

۱) ادا واجب است بدون طهارت و اعاده هم در خارج وقت لازم نیست. چرا که تکلیفش را انجام داده است. او امر اضطراری مجزی است و قضا ندارد. این قول به **جد سید مرتضی** نسبت داده شده است. **صاحب جواهر** نیز فرمودند اثبات نشده که نظر ایشان باشد.

۲) **شرایع مرحوم محقق [۲]** : فاقد طهورین نمازش را در وقت بدون طهارت بخواند و در خارج وقت اعاده می‌کند.

۳) **مرحوم شیخ** در مبسوط: فاقد طهورین که آب و خاک ندارد یا نمی‌تواند انجام دهد حکمش تخیر است بین تاخیر نماز و یا نماز در وقت و اعاده. ادله قضا و ادا هر دو مساوی هستند:

«و إذا كان محبوساً بالقييد و الرباط أو مصلوباً على خشبة أو يكون في موضع نجاسة و لا يقدر على موضع طاهر يسجد عليه و لا ما يتيمم به فإما أن يؤخر الصلاة أو يصلي و كان عليه الإعادة لأنه صلى بلا طهارة و لا يتيمم». [۳]

۴) حتماً قضا لازم است و ادا از او ساقط است. فاقد طهورین نماز را اداء نباید بخواند ولی قضا را باید بخواند. **مشهور متقدمین و متأخرین** همین است، مانند **صاحب جواهر [۴]**.

۵) **علامه** در تذکره [۵] : نماز بدون طهارت اصلاً ساقط می‌شود. نه ادا دارد و نه قضا.

۶) نماز ادایی و قضایی از او ساقط می‌شود ولی از باب باید ایام نماز مشغول به ذکر الهی باشد در آن وقت ذکر بگوید. یجب

علیه ان یكون ذاکرا لله تبارک و تعالی ولو متوجه به صلات باشد.

بررسی مسأله

حدیث صحیح زراره است که نماز طهارت نیاز دارد [۶] و اطلاقات ﴿اقیموا الصلاة﴾ هم روشن است و لازم الاجرا. برای جمع بین این دو قسم دلیل باید بررسی کنیم. این مسأله مبتلا به است و باید با برخی مبانی وارد شویم تا بحث روشن شود.

عرض ما این است که باید بحث منقح شود و با قیاس مبانی اصولی و روایی و مقایسه اطلاقات جمعی بینشان قرار داده شود. الجمع مهما امکن اولی من الطرح. تا جایی که می‌توانیم باید جمع کنیم تا به اطلاقات عمل کنیم.

فاقد طهورین را در مقام ثبوت بحث می‌کنید یا در مقام اثبات؟

مقام ثبوت

به نظر ما اگر در مقام ثبوت بحث می‌کنید شکی نیست که انتفاء المشروط بانتفاء الشرط است. مقام سبب و مسبب است. مقام علیت و معلولیت می‌گوید شرط برود مشروط هم می‌رود. به لحاظ دلالت نماز مشروط به طهارت شده است و طهارت نباشد نمازی هم نیست. اصل ثبوتی و مقام واقعیت و خارج ما آن است که اگر چیزی مشروط به چیزی شد انتفاء مشروط با انتفاء شرط رخ می‌دهد. طهارت نباشد، نماز، نماز نیست. نماز در خارج مقید به طهارت شده است.

مرحوم آقای خوئی نظری دارند که اسباب شرعیه مانند اسباب خارجیه است. [۷] سبب و مسبب شرعی مانند اسباب خارجیه است. لا صلاة الا بطهور [۸] سبب شرعی است که باید همانند سبب عقلی با او برخورد کرد که طهارت نباشد نماز ندارد.

انما الکلام اینکه با روایت صحیحه از زراره چه کنیم که لا تدع

الصلاة علی حال؟ که در مورد زن نفساء آمده است. [۹]

حکم مقید این است که نماز مقید به طهارت است. حکم
اطلاقی ما لا تدع الصلاة علی حال است.

مقام اثبات

اما در مقام اثبات که مهم است:

از دیدگاه ما چند بحث می‌توانیم در این مقام داشته باشیم:

۱. حکم را از اطلاقات و نفس دلیل صلات استفاده کنیم.

۲. از دلیل سبب و مسبب و قید استفاده کنیم.

همیشه در فقاہت سعی کنید فرع‌ها را با دقت دنبال کنید. اگر
فروع مسأله را در آوردید راحت حکمش را می‌توانید استنباط
کنید. اول تصور است موضوع‌شناسی و مصداق‌شناسی است. بعد
ساختارشناسی و اینکه تحت چه موضوعی است و بعد حکم را
استفاده می‌کنید.

در اینجا چهار نسبت بین ادله هست:

(۱) هر دو اطلاق دارند

(۲) هر دو مقید هستند

(۳) اطلاق مأمور به و تقید شرط

(۴) اطلاق دلیل شرط و تقید مأمور به

اطلاق شرطیت و جزئیت معنایش این است که لا صلاة الا
بطهور همه جایی است. تقید نماز به طهارت برای همه موارد
است. معنای مطلق این است که دلیل شرطیت و جزئیت حاکم
است. چه دلیل مأمور به مطلق و چه مقید، دلیل شرط و جزء
حاکم می‌شود. سبب و مسبب در مقام اثبات همانند مقام ثبوت
می‌شود. یعنی لا صلاة الا بطهور قطعی است. جز نماز با طهارت
مطلوب مولا نیست. فقط صلات مع الطهارة مطلوب مولا است و
اگر چنین نباشد ملاک ندارد.

اگر دلیل شرطیت اطلاق نداشته باشد دلیل مأمور به حاکم
می‌شود. در جایی که ما قائل به اطلاق شرطیت و جزئیت شویم

باید بگوییم ادله شرطیت و جزئیت حکومت دارد و نوبت به دلیل مأمور به نمی‌رسد. این مؤید این نظر می‌شود که اداء هم نماز ساقط است. نوبت به قضا می‌رسد که همین جا عرض کنیم.

دو مبنا در قضا

در قضا دو مبنا هست:

(۱) اگر قضا بر صرف ادا مترتب باشد، اینجا قضا هم ندارد. قضا علی ما فات است و مقید به دلیل مأمور به است. اینجا دلیل مأمور به محکوم است و دلیل جزئیت و شرطیت حاکم است و این قرینه می‌شود. در نتیجه قضا هم ساقط است.

(۲) مگر اینکه از را تعدد مطلوب پیش برویم. مولا مأمور بهی را اراده کرده است. در دو زمان با دو خصوصیت قابل تصور است. در زمان خاصش نشد در زمان دیگر می‌توان آن را انجام داد. مرتبه نازله مأمور به را باید انجام داد. قضا به اصل نماز و ما فات خورده است. دلیل **لا صلاة الا بطهور** گویا هویت و ماهیت نماز را می‌برد.

اشکال

إن قلت: همین جناب زرارہ حدیثی دارد که **لا صلاة الا الى القبلة**. [۱۰] در تهذیب شیخ دارد که سؤال می‌کند از کسی که فاتحة الكتاب را نخوانده است، فرمودند لا صلاة. مگر در جهر و اخفات باشد.

محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد، عن فضالة، عن العلا، عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر (عليه السلام) قال سألتہ عن الذي لا يقرأ بفاتحة الكتاب في صلاته قال لا صلاة إلا أن يقرأ بها في جهر أو إخفات. [۱۱]

در شرط قرائت و قبله که جزو اجزا هستند آنجا هم اگر چنین نباشد باید بگوییم نماز ساقط است. و حال آنکه کسی از فقها چنین نمی‌گوید. صلات کسی که معذورت در قبله یا سوره فاتحه

دارد ساقط نمی‌شود. مگر بگوییم به دلیل اجتهادی دیگری است. مگر بگویید جزئیت با شرطیت فرق دارد. تخصیص است یا تخصّص؟ آیا ما می‌توانیم به قاعده میسور اخذ کنیم؟ می‌توانیم این حرف را بنزیم که در طهارت دلیل خاص داریم؟ یا قاعده‌ای داریم در طهارت؟

در طهارت بحث ماهیت است ولی در قبله و قرائت چنین نیست. شرط ماهیت نیست. صلاتی محقق شده است ولی الی القبلة یا غیر آن فرقی ندارد.

آیا از اصول عملیه چیزی در اینجا قابل اثبات است؟ مثلاً برائت از نماز بدون طهارت. یا استصحاب جاری است؟ آیا نوبت به اصول عملیه می‌رسد یا خیر؟

شاید ما به این نتیجه برسیم که اداء ساقط باشد و قضاء واجب باشد ولی در عین حال مأمور به جمع هم باشیم. اطلاعات بدون شبهه قابل اخذ است. در شرطیت قرائت، قبله و طهارت شکی نداریم. همه را هم زراره نقل کرده است. پاسخ اشکال فوق ان شاء الله در جلسه بعدی.

-
- [۱] مسند الإمام الصادق أبي عبد الله جعفر بن محمد (ع)، العطاردي، الشيخ عزيز الله، ج ۲، ص ۳۰.
- [۲] شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام - ط اسماعيليان، المحقق الحلبي، ج ۱، ص ۴۰.
- [۳] المبسوط في فقه الإمامية، الشيخ الطوسي، ج ۱، ص ۳۱.
- [۴] جواهرالكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ۵، ص ۲۳۲.

- [۵] تذكرة الفقهاء، العلامة الحلبي، ج ۲، ص ۱۸۴.
- [۶] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۱، ص ۳۱۵، أبواب أحكام الخلوة، باب ۹، ح ۱، ط آل البيت.

[٧] محاضرات في الأصول، الخوئي، السيد أبوالقاسم، ج٥،

ص ١١٣.

[٨] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١، ص ٣١٥، أبواب

أحكام الخلوة، باب ٩، ح ١، ط آل البيت.

[٩] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٢، ص ٣٧٣، أبواب

الاستحاضة، باب ١، ح ٥، ط آل البيت.

[١٠] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٣، ص ٢١٧، أبواب

القبلة، باب ٢، ح ٩، ط الإسلامية.

[١١] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٤، ص ٧٦٧، أبواب

القراءة في الصلاة، باب ٢٧، ح ٤، ط الإسلامية.

